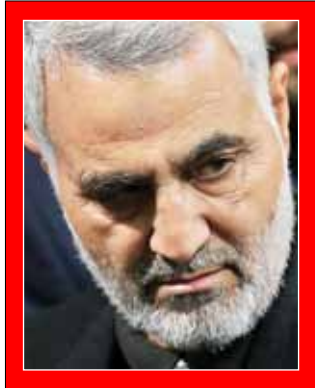




رهبر انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان عنوان کردند

# نامه سناتورها نشانه فروپاشی آمریکا



خواندگان «وطن امروز»  
حاج قاسم سلیمانی را به عنوان مرد سال ۹۲ انتخاب کردند

## سردار جهانی

- چرا «ژنرال» مرد سال ۹۲ است؟ سرداری شهادت طلب که مایه عزت ایرانیان است
- ناگفتنی‌های اسطوره‌ای که مرزها را در می‌نوردد؛ او بر قلب‌ها فرمان می‌راند
- با ناظران جهان جدید آشنا شوید؛ شیردلان داعش کجا!
- عکس‌هایی به‌نشانه سبک جدید فرماندهی
- اهمیت حضور بی‌تکلف حاج قاسم، ژنرال فاتح نبرد با وحوش داعش در دیسبیلین اخلاقی اوست که حکم می‌کند هیچ نشانی از «ملیت» در لباس خاکی غیر نظامی‌اش در خط مقدم دیده نشود
- برای آمریکایی‌ها پذیرش حداکثری ایرانی‌ها در جامعه عراقی هنوز عجیب می‌نماید. به همین دلیل مقالات بسیاری درباره لشکر فرامیلتی و فرامذهبی نگارش کرده‌اند که آشکارا به افتخار حضور قاسم سلیمانی، سردار فاتح ایرانی در خط مقدم تکبیر می‌گویند
- در ادبیات روابط بین‌الملل کسی از توان ایجاد نظم نوین برخوردار است که «منیت سایرین» در گرو همت او باشد...

روزنامه



کس، Leader.ir

## گفتمان توسعه‌گرا به اسرائیل کاری ندارد

امیرعلی جهاندار

بدی بر مردم حاکم است. مردم از یک طرف از طرف خود حکومتشان بيماران شیمیایی می‌شوند و از طرف دیگر امروز منتظر بمب‌های آمریکا باید بمانند. این رفتارها که طرف غربی را راضی نگه داریم تا پای میز مذاکره بنشینند البته در آن ایام از سوی وزیر امور خارجه نیز تکرار شد. اعلام موضع وزیر خارجه (دکتر ظریف) در قالب فیسبوک و به دختر رئیس مجلس نمایندگان آمریکا مبنی بر اینکه «کسی که منکر هولوکاست (منظور احمدی‌نژاد است) در ایران بود، رفته است» را نیز می‌توان در همین چارچوب ارزیابی کرد. در واقع برای آنها واقعیت اینکه احمدی‌نژاد منکر هولوکاست بوده است یا تنها درباره آن سوال و پرسش کرده است نیز مهم نیست بلکه آن را به مثابه یک سوزه می‌دانند که از طریق آن می‌توانند سیگنال‌های خاصی برای طرف غربی بفرستند.

این تفکر را نه در همین یکسال و اندی بلکه پیش‌تر نیز می‌توان در بین آرا و نظرات این گروه مشاهده کرد که اینگونه روحانی در سخنرانی خود در همایش چشم‌انداز سیاست خارجی توسعه‌گرا در سال ۸۶ بر برون‌زایی تاکید و درون‌گرایی را مساوی «نزوا» یا «جنگ مداوم» تعبیر کرده بود: «خیلی راحت می‌توان شاقول گذاشت و کار یک جمعی را بررسی کرد اما ما باید تکلیف خودمان را روشن کنیم. اگر می‌خواهیم درون‌گرا و منزوی باشیم که وضعیت مشخص است اما اگر معتقدیم با درون‌گرایی کار پیش نمی‌رود باید به گونه‌های دیگر بیندیشیم البته شکی نیست که نباید در برابر هنجارهای دنیا تسلیم محض باشیم اما آیا با جنگ مداوم می‌توان به نتیجه رسید؟» وی در همان سخنرانی نیز تغییر در روابط خارجی با غرب را با مثالی از عصر پیامبر توحیه و ضروری می‌نمایاند: «البته شکی نیست که دنیای غرب از ما خوش نمی‌آید و در باطن دشمن ما است اما باید با دشمن چگونه رفتار کرد؟ باور کنید پیغمبر هم با کفر مذاکره می‌کرد، با آنها معاهده امضا می‌کرد و حتی صلح هم کرده بود». در ادامه نیز برای چاره‌جویی در تغییر روابط خارجی به مساله زمان و مکان مورد تاکید امام(ره) استناد می‌کنند: «اصل در سیاست خارجی در بی‌تعاملی سازنده باشیم». هاشمی‌رفسنجانی و همراهانش برای آنکه بتوانند آمریکا را قانع نگه دارند حتی در رفتارهای متعدد که نمونه‌های آن بیان شد تلاش کردند تا این پالس را به آمریکایی‌ها بدهند که با هم‌بیمان آمریکا در منطقه کاری نخواهند داشت.

کردن مشکل خواهد بود. یکی از این مسائل رابطه با آمریکا بود. نوشتنم بالاخره سبکی که الان داریم که با آمریکا نه حرف بزیم و نه رابطه داشته باشیم، قابل تلاوم نیست. آمریکا قدرت برتر دنیاست. مگر اروپا با آمریکا چین با آمریکا و روسیه با آمریکا چه تفاوتی از دید ما دارند؟ اگر با آنها مذاکره داریم، چرا با آمریکا مذاکره نکنیم؟ معنای مذاکره هم این نیست که تسلیم آنها شویم. مذاکره می‌کنیم اگر مواضع ما را پذیرفتند و با ما مواضع آنها را پذیرفتیم، تمام است». هاشمی این نامه را زمانی بازخوانی کرد که دیپلماتی دولت یازدهم مبتنی بر ارتباط با آمریکا طرح‌ریزی شده بود و این ارتباط نیاز به ساخت معنایی و نمونه تاریخی داشت که هاشمی این قبیل موضوعات را برای آن مطرح می‌کرد. نمونه‌هایی که هیچ شهادی جز خود او نداشت. هاشمی با بیان این خاطره تلاش داشت اعلام کند برای عدم ارتباط با دولت آمریکا نه در زمان اسام و نه در زمان بعد از اسام استدلالی وجود ندارد؛ چون اولاً این عدم رابطه قابل تلاوم نیست، ثانیاً دولت آمریکا قدرت برتر دنیاست و ثالثاً دولت آمریکا تفاوتی با چین و روسیه و اروپا ندارد و ارتباط با آمریکا مثل ارتباط با دیگران است. هاشمی این موضوع را در نقاشی دیگر مطرح می‌کند تا بتواند این چارچوب معنایی را برای دولت ایجاد کند و نقش پدرخوانده‌ی را به نحو احسن به‌جا آورد. وی در مصاحبه با مجله مطالعات بین‌المللی در شماره تابستان ۹۲ بیان می‌کند «حمایت از حزب‌الله و فلسطین به شرط آنکه از طریق آنها مزاحمتی برای دیگران (احتمالاً منظور آمریکا و اسرائیل یا اقطار آنهاست) ایجاد نکنیم اشکالی ندارد». این موضع در کنار متهم کردن دولت سوریه به حمله شیمیایی علیه مردم خود در سخنرانی سوادکوه، نشانه‌هایی دیگر در همراه نشان دادن خود با دیدگاه‌های غرب و آمریکا است. هاشمی در سفر استانی خود به مازندران در شهریور سال ۹۲ سخنانی را درباره اتفاقات سوریه بر زبان آورد که به تایید مواضع اسرائیل بیشتر شباهت داشت تا مواضع یک مقام مسؤول در جمهوری اسلامی. هاشمی در مراسم سالگرد ارتحال آیت‌الله‌صالحی مازندرانی در شهر شیرگاه سوادکوه شمالی در بخشی از سخنان خود به مسائل و مشکلات اقتصادی ایران اشاره کرد و گفت: «ما در محاصره، تحریم و بایکوتیم و نمی‌توانیم از منابع استفاده کنیم، باید گران بخریم و در دریافت پول هم با مشکلات فراوان روبه‌رو هستیم اما اخیراً شاهد خطر بزرگ‌تری هستیم. مردم سوریه بیش از ۱۰۰ هزار کشته و ۸ میلیون آواره دارند. در داخل و خارج، زندان‌ها پر از مردم است. زندان‌ها جا ندارد. بعضی ورزشگاه‌ها را گرفتند و آنها را پر کردند. شرایط

این روزها صحبت‌های هاشمی رفسنجانی که او را پدرخوانده دولت یازدهم می‌دانند، نقل محافل سیاسی است؛ صحبت‌هایی که در آن هاشمی منتقدان توفیق را هم‌نوا با ناتیاهو می‌داند. هاشمی رفسنجانی درباره منتقدان توافقنامه ژنو گفته بود: «در مهم‌ترین پروژه دولت که تیم مذاکره‌کننده است و مورد حمایت مقام معظم رهبری قرار دارد، خودشان هم تکرار می‌کنند که با برنامه رهبری کار را پیش می‌برند اما این دلواپسان چه بر سرشان می‌آورد و با ناتیاهو هم‌نوا شده‌اند. او (ناتیاهو) آنجا رفته و اولیاما را تحریک می‌کند و اینجامم دلواپسان می‌گویند که ما اسرار را می‌گوییم؛ نمی‌دانیم این چه سری است؛ آنها هم از شیطان هستند و از آن طرف دارند کار می‌کنند اما در حال حاضر نزدیک به نتیجه رسیده‌ایم. زمانی که تیم مذاکره‌کننده بازمی‌گردد به جای استقبال از آنها دلواپسان چیزهایی می‌گویند که نباید بگویند».

بیان این صحبت‌ها جناح‌های مختلف سیاسی را به واکنش و داشته است بویژه اصولگرایانی که تیر هاشمی به سمت آنها است اما کسی به عقبه مواضع هاشمی توجهی نکرد که آیا واقعا هاشمی با اسرائیل مبارزه‌ای دارد که از خوشحالی او ناراحت و یا از ناراحتی‌اش خوشحال می‌شود؟ یا اصلا برای او موضوعیتی دارد یا خیر؟

بررسی گفتمان توسعه‌گرایی اقتصادی هاشمی و به‌طور کلی کارگزارانی‌هایی که با وی همراه هستند نشان می‌دهد آنچه اولویت و اهمیت دارد «تعامل با آمریکا» است و در این مسیر هر چه محل ارتباط مستقیم باشد باید از سد کنار رود، این می‌تواند سانتریفیوژ باشد، می‌تواند کل هسته‌های باشد و می‌تواند حتی آرمانی باشد در حد فلسطین!

رفسنجانی که از روز اول خود را حامی بی‌چون و چرای دولت معرفی می‌کرد برای آنکه بتواند راه را برای ارتباط دولت با آمریکا هموار کند از هر بهانه‌ای استفاده می‌کرد، حتی بهانه‌هایی که هیچ سندیتی نداشتند. هاشمی رفسنجانی بعد از پیروزی روحانی در قالب بیان خاطرات خود از امام به موضوعاتی اشاره می‌کند که به عقیده او تنها امام می‌توانست آنها را حل کند. وی می‌گوید: «من در سال‌های آخر حیات امام(ره) نامه‌ای را خدمتشان نوشتم، تاپ هم نکردم. برای اینکه نمی‌خواستم کسی بخواند و خدوم به امام دادم. در آن نامه ۷ موضوع را با امام مطرح کردم و نوشتم که شما بهتر است در زمان حیات‌تان، اینها را حل کنید، در غیر این صورت ممکن است اینها به صورت معضلی سد راه آینده کشور شود. گردهنهایی است که اگر شما ما را عبور ندهید، بعد از شما عبور

## اقتصاد مقاومتی؛ شاه‌کلید حل مشکلات

شهاب‌الدین سینایی

موضوعی که متأسفانه به رغم برخی توجهات و اقدامات بیشتر در سطح شعار و حرف و نه عمل باقی مانده است. با تدقیق در محورهای اصلی اقتصاد مقاومتی درمی‌یابیم ایران اسلامی برای عبور از شرایط حساس کنونی چاره‌ای جز توجه به بایسته‌های این مفهوم سه‌وجهی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ندارد.

رهبر انقلاب در دیدار کارگزاران نظام در رمضان سال ۹۱ می‌فرمایند: «ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم... اقتصاد کشور ما برای آنها نقطه مهمی است. هدف دشمن این بود که روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دلزده شوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است و این محسوس بود... من سال ۸۶ در صحن مطهر علی‌بن‌موسی‌الرضا(علیه‌الآلآفتحیه و الثناء) در سخنرانی اول سال گفتم اینجا دارند مساله اقتصاد را پیگیری می‌کنند؛ بعد هم آدم می‌تواند فرض کند که این شعارهای سال حلقه‌هایی بود برای ایجاد یک منظومه کامل در زمینه مسائل اقتصاد یعنی اصلاح الگوی مصرف، مساله جلوگیری از اسراف، مساله همت مضاعف و کار مضاعف، مساله جهاد اقتصادی و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی. ما اینها را به‌عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ اینها چیزهایی است که می‌تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه اقتصاد ساماندهی کند؛ می‌تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم».

این بیانات که در مناسبت‌های گوناگون و در دیدار مسؤولان و مردم با معظوله، مکرراً مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است به وضوح اهمیت و ضرورت اقتصاد مقاومتی برای حال و آینده کشور را گوشزد می‌کند. در ادامه به محورهای اساسی اقتصاد مقاومتی اشاره می‌کنیم:

- کاهش وابستگی به بیرون از مرزها با تاکید بر مزیت‌های تولیدی در داخل کشور
- تلاش برای خودتکایی و خودکفایی بویژه در تولید کالاهای ضروری و اساسی
- ایجاد شرایط لازم برای پویایی اقتصاد کشور و جلوگیری از افتادن اقتصاد به مسیر اقتصاد بسته دولتی
- سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های اقتصادی معطوف به استقامت در همه سطوح با فرض فشار همه‌جانبه از سوی نظام سلطه
- برنامه‌ریزی و تلاش جدی برای اصلاح الگوی

مذاکرات هسته‌ای ایران با غرب به روزهای سرنوشت‌ساز خود رسیده است. آنگونه که از فضای کلام مقامات ایران و آمریکا برمی‌آید، دولت حساس روحانی نمی‌تواند چندان به توافق جامع و نهایی با غرب امیدوار باشد؛ موضوعی که از آغازین روزهای شروع مذاکرات بارها از سوی رهبر حکیم انقلاب مورد تاکید قرار گرفته است. حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مکرراً و در مقاطع گوناگون بر عدم خوش‌بینی‌شان به تلاوم مذاکرات ایران با غرب بویژه ایالات متحده تاکید کرده‌اند. موضوعی که صحت آن، امروز و به‌رغم مذاکرات گسترده ایران با غرب بیش از پیش خودنمایی می‌کند. با مروری بر نحوه عملکرد غرب بویژه دولت ایالات متحده در این سال‌ها می‌توان «عدم صداقت» را به‌عنوان ویژگی اصلی طرف‌های گفت‌وگوی ایران در مذاکرات هسته‌ای به شمار آورد. آمریکا در مراحل مختلف مذاکرات هسته‌ای و برخلاف روند حرکتی جریان مذاکرات (روند مثبت مذاکرات البته به‌زعم مسؤولان دولت یازدهم)، به بهانه‌هایی واهی چون «تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای»، «حمایت ایران از گروه‌های تروریستی»، «رفتارهای ضدحقوق بشری» و... تک پیکان خود را به سوی ایران نشانه رفته است. رفتارهایی که همگی نشان از عدم صداقت دولت ایالات متحده در تعامل با دولت ایران دارد.

با درنگی هرچند کوتاه بر جایگاه دولت ایالات متحده در سیستم بین‌المللی و نقش آفرینی این دولت به‌عنوان «هژمون رو به افول»، بسیاری از رفتارهای واشنگتن و همپیمانانش در قبال ایران قابل درک و نیز قابل پیش‌بینی است. بنابراین شناخت، همانگونه که رهبر بزرگوار انقلاب بارها به آن تاکید کرده‌اند، نمی‌توان نسبت به آینده مذاکرات و حتی توافقات احتمالی هسته‌ای ایران با غرب خوشبین بود. رهبر انقلاب با درک و پیش‌بینی این شرایط، بارها خواستار عدم تکیه مسؤولان دولتی به ظرفیت‌های بیرونی شده و تاکید کرده‌اند فارغ از آنکه مذاکرات هسته‌ای چه نتایجی را به بار آورد مسؤولان باید بویژه در حوزه اقتصاد با تکیه بر مفهوم «اقتصاد مقاومتی» به فکر چاره‌جویی برای مشکلات فعلی و مشکلات احتمالی آینده باشند.

ایشان شهریور ۸۹ برای اولین‌بار عبارت «اقتصاد مقاومتی» را وارد ادبیات سیاسی کشور کردند و خواستار توجه جدی مسؤولان و اندیشمندان کشور به این مفهوم کلیدی شدند.